



Commitments of Governments to Comply with the Fundamental Principles of the International Environmental Law

Seyyed Bagher Mir Abbasi

Professor, Department of Law, Tehran
University, Tehran, Iran.

Mohammad Reza Rezaei *

PhD in Private Law, Tehran University, Tehran,
Iran.

Mahboubeh Sheyokhi

Master's Degree in International Law, Lecturer at
Apadana Institute of Higher Education, Shiraz,
Iran.

Abstract

The discussion of "States' Obligations to Comply with the Fundamental Principles of International Environmental Law", which is discussed in this paper in a descriptive-analytical manner from library and documentary sources, is one of the most important issues in international law because one of the most terrifying aspects today is the widespread deterioration of the environment, especially during activities such as the establishment of chemical plants and the outbreak of conflict, where nature and the environment is the first and weakest victim. Therefore, in order to protect the environment, and in particular, the international environment, countries and international legal institutions, have set and developed rules. These are international treaties that have been drafted globally and regionally and have made binding commitments to them in this regard. Now we must continue to protect the environment both in times of conflict and in times of peace, and this study seeks to explain how and on what basis the environment can and should be protected and held governments accountable. The internationalization of governments is the result of a gross violation of environmental principles based on which international principles and rules, and its theoretical foundations are described. This responsibility is an obligation imposed on each member of the international community, and in the event of a breach of that obligation, the government will be liable for damages. The process of international responsibility resulting from gross environmental violations has undergone relatively positive changes and many ups and downs. over time but these developments have been very slow and time consuming. In a way, it may not be far from the truth to say that the process of change in this area has been much slower than in other areas of international law. This study concludes that the international liability of states resulting from gross environmental violations in the present age is generally subject to the general rules of international liability in public international law.

Keywords: international environmental law, international law, international obligations, international liability

Received: 11/April/2021

Accepted: 22/August/2021

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

تعهدات دولت‌ها در رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

سیدباقر میرعباسی

استاد بخش حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

محمدرضا رضایی*

دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

محبوبه شیوخی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، مدرس مؤسسه آموزش عالی
آپادانا، شیراز، ایران.

چکیده

بحث «تعهدات دولت‌ها در رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» که در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، مجال سخن یافته است، یکی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهد چراکه امروزه یکی از جنبه‌های دهشتناک پیش رو، تخریب و زوال گسترده محیط‌زیست است؛ به‌خصوص در هنگام فعالیت‌هایی همچون تأسیس کارخانه‌های مواد شیمیایی و بروز مخاصمات و درگیری‌ها، اولین و ضعیف‌ترین قربانی، طبیعت و محیط‌زیست خواهد بود. لذا در راستای حمایت از محیط‌زیست و به‌طور خاص، محیط‌زیست بین‌المللی، کشورها و نهادهای حقوقی بین‌المللی، به‌منظور صیانت بهتر از محیط‌زیست، دست به تنظیم و تدوین قواعدی با هدف حمایت از محیط‌زیست زده‌اند. این معاهدات بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای تدوین گشته و تعهداتی الزام‌آور را در این خصوص پیش روی آن‌ها ترسیم کرده‌اند. حال باید در پی این بود که حمایت از محیط‌زیست را هم در زمان مخاصمات و هم در زمان صلح استمرار بخشید. این پژوهش نیز در پی تبیین این مسئله است که چگونه و بر چه اساس می‌توان و باید از محیط‌زیست حمایت کرد و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض فاحش اصول زیست‌محیطی مبتنی بر کدام اصول و قواعد بین‌المللی است. در این تحقیق، مبانی نظری این موضوع تشریح شده است. این مسئولیت، تعهدی است که بر دوش هر یک از تابعان جامعه بین‌المللی قرار گرفته و در صورت نقض آن تعهد، مسئولیت آن دولت را در جبران خسارات وارده در پی خواهد داشت. فرایند مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض فاحش زیست‌محیطی در گذر زمان و با طی فراز و نشیب‌های زیاد دچار تحولات نسبتاً مثبتی گردیده است. باین‌حال، تحولات صورت گرفته، آرام و تدریجی بوده به‌طوری‌که می‌توان گفت تغییرات در این حوزه بسیار کندتر از دیگر حوزه‌های حقوق بین‌الملل بوده است. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض فاحش زیست‌محیطی در عصر حاضر به‌طور کلی تابع قواعد کلی مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عمومی است.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل، تعهدات بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی

مقدمه

با توسعه روابط بین‌الملل و حدوث تحولات گوناگون، دولت‌ها به تدریج به ارزش برخی باورها و اصول پی برده و سازمان ملل متحد به عنوان تجلی جامعه بین‌المللی برخی از مقررات بین‌المللی را با محیط‌زیست تلفیق داد و دولت‌ها تشویق شدند که مقررات حمایتی را در رابطه با محیط‌زیست، هم در حوزه‌های منطقه‌ای و هم در گستره جهانی، وضع و اجرا کنند. این اصول به تدریج از اعتبار قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام و تعهدات عام‌الشمول برخوردار شده، آلوده‌سازی محیط‌زیست هم‌سنگ نقض سایر حقوق بشری تلقی و موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مطرح می‌شود (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۱۴). این موارد شامل اصل توسعه آگاهانه، اصل احتیاط در استفاده از محیط‌زیست و اصل مسئولیت پرداخت خسارت آلوده‌ساز است. این ایده ابتدا در انگلستان نضج گرفت و بعدها در مباحث حقوق بین‌الملل و جامعه اروپا چند فصل به آن اختصاص یافت. در ادامه نیز اصولی دیگر به آن افزوده شد ولی هنوز منزلت حقوق آن‌ها از این جنبه که حقوق الزام‌آورند یا توصیه‌ای، مشخص نیست.

با وجود توصیه‌ای و غیر الزام‌آور بودن کنفرانس ۱۹۹۲ ملل متحد راجع به محیط‌زیست و توسعه، این سند فاقد سازوکار حقوقی جهت حمایت از محیط‌زیست بین‌المللی است. بعدها، اعلامیه هزاره ملل متحد در مورد اهداف توسعه هزاره، ضرورت حمایت از اصول توسعه پایدار را در دستور کار ۲۱ یادآور شد. همچنین، تصمیم اجلاس سران در مورد توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ به ضرورت توجه به این تعهدات برای دستیابی به آرمان‌های ریودوژانیرو ۱۹۹۲ با اصرار بر کاهش فقر تأکید داشت. به این ترتیب، برخی از اصول ذیل مورد توافق قرار گرفت:

۱. حاکمیت دولت بر امور داخلی از جمله منابع طبیعی که درواقع به معنای اطمینان از این مسئله است که خسارات فرامرزی محیط‌زیستی، دولت را تهدید نمی‌کند.

۲. اصل اقدام فوری با هدف جلوگیری از ورود خسارات

۳. اصل احتیاط

۴. اصل همکاری

۵. اصل توسعه پایدار

۶. اصل مسئولیت پرداخت آلوده‌ساز

۷. اصل اشتراک تنوع مسئولیت‌ها

تأکید این اصول بر اجرای آن‌ها در قالب قواعد حقوقی است. این اصول پشتوانه قواعد حقوقی هستند؛ قواعدی که اگر بدون توجه به ارزشمندی این اصول فراگیر به آن‌ها نگریسته شود، از هر ارزشی تهی خواهند شد. این نکته را نیز باید افزود که این اصول توسط دولت‌های ذینفع برای تفسیر قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه به صورت فراوان مورد استناد قرار می‌گیرند و این قابلیت را دارند که خلأ حقوقی موجود را زمانی که قواعد حقوقی در اثر تکنولوژی متحول می‌شوند و با نیازهای روز سازگاری ندارند، برطرف می‌نمایند.

۱- اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

این اصول زیست‌محیطی به عنوان مهم‌ترین دلایل مشروعیت مقررات توصیه‌ای با منشأ نظم عمومی بین‌المللی بوده که استخراج منابع طبیعی و وضع محدودیت‌ها را به منظور حفاظت از گونه‌ها و اکوسیستم‌ها که مهم‌ترین محل اختلاف و انتخاب‌های دولت‌هاست، بیان می‌کند. این همان تعهدی است که در اعلامیه ریودوژانیرو در قالب اصل دوم تکرار شده

و در قضایای مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ در پاراگراف ۲۹ و «قضیه گابچیکو ناجیماروس»^۱ در سال ۱۹۹۷ در پاراگراف ۵۳ به آن استناد شد (عزیزی و همکار، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

به موازات رشد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و افزایش آگاهی‌های عمومی، نیاز به تأسیساتی که قادر به ترویج رعایت استانداردهای بین‌المللی محیط‌زیست باشند، محسوس است؛ به‌ویژه همکاری و هم‌فکری دیوان‌ها و محاکم بین‌المللی، تجسم این واقعیت عینی است. در بسیاری مواقع، موفقیت این نهادها به‌عنوان یک طرف ثالث در فرآیند حل‌وفصل اختلافات منوط به وجود محکمه‌ای متشکل از قضاتی است که با رعایت استانداردهای عالی، بی‌طرف و مستقل تصمیم‌گیری کنند، به‌خصوص در آن دسته از دعاوی که نیازمند استدلال‌ات فراوان بوده و آرای متخذه مطابق با قواعد متداول حقوقی باشد. تأثیر این آرا در توسعه هنجارهای زیست‌محیطی غیرقابل‌انکار است. البته پاره‌ای اوقات، محاکم ملی نیز در باب موضوعات زیست‌محیطی آرای ارزشمندی به‌ویژه در قاره اروپا صادر می‌کنند. درعین حال، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را گریزی از توسعه و تحول نیست، به‌ویژه که همکاری و هماهنگی میان دولت‌ها راجع به مشکلات زیست‌محیطی به یک الزام تبدیل شده است. دیوان‌ها و محاکم دائمی به‌ویژه دیوان دائمی برای حقوق دریاهای نقش مهمی را در تعیین و تثبیت رژیم‌های زیست‌محیطی دارند. ماحصل این تلاش‌ها، ظرفیت‌سازی برای نهادهای موجود به‌منظور پاسخ‌گویی به اختلافات زیست‌محیطی بوده است. به نظر می‌رسد دیوان دائمی داوری، صلاحیت ارائه خدمات تخصصی زیست‌محیطی را دارا است، به‌ویژه که در سال ۱۹۹۳، اولین شعبه ویژه حل‌وفصل اختلافات زیست‌محیطی در ساختار داخلی دیوان بین‌المللی دادگستری تأسیس شد. ویژگی اصلی رشد به‌هنگام حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ظهور مجموعه‌ای از نهادهای متکی بر معاهدات بوده، به‌خصوص معاهدات چندجانبه زیست‌محیطی که می‌توانند نقش نظارتی را ایفا نمایند. برخی از موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی به‌صورت گذرا به نقش نهادهای حل‌وفصل اختلافات و ترویج تعهدپذیری کشورها تصریح دارند. در این مورد می‌توان به شعبه ویژه حل اختلاف «کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲» اشاره کرد که رژیم خاصی را برای حفاظت از محیط‌زیست دریایی پیش‌بینی کرده است (رمضانی قوام‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳۰-۹۲۰).

در ادبیات حقوقی، جهت حفاظت از محیط‌زیست به پاره‌ای اصول حقوقی نوظهور اشاره شده است که مهم‌ترین آن، اصل احتیاط است که بر مبنای دگرترین خطر به پیش‌بینی مبنای مسئولیت دولت‌ها پرداخته است (برانلی، ۱۳۸۳: ۱۰۲). اصل حیاتی بعدی، اصل همکاری دولت‌ها با هدف کاهش تخریب محیط‌زیست و آلودگی است. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶، پیش‌نویس مقرراتی را پذیرفت که شامل پاره‌ای تعهدات مهم راجع به صدمات فرامرزی بود؛ البته همچنان از جنبه اجرا، وضعیت مبهمی دارند. باین حال، این سند قصد دارد فعالیت‌های دولت‌ها را در سرزمینشان تحت نظارت قرار دهد (گلستانی، ۱۳۹۱: ۱۷). اهم این اصول عبارت است از:

۱. اصل حاکمیت دولت در قلمرو زیست‌محیطی خویش
۲. اصل همکاری دولت‌ها در قبال حفاظت از محیط‌زیست
۳. اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست
۴. اصل جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست
۵. اصل احتیاط در بهره‌گیری از طبیعت
۶. اصل پرداخت خسارت توسط آلوده‌ساز
۷. اصل اطلاع‌رسانی و کمک در حوادث اضطراری زیست‌محیطی
۸. اصل اطلاع‌رسانی و مشاوره در رابطه با آثار برون‌مرزی آلودگی‌ها

این اصول باعث استحکام و جامعیت مقررات محیط‌زیست گردیده و موجب تبدیل این قواعد از قواعد غیر الزام‌آور و توصیه‌ای^۱ به قواعد الزام‌آور توأم با ضمانت اجرا^۲ شوند.

۱-۱- اصل حاکمیت دولت در قلمرو زیست‌محیطی خویش

این اصل از اصول کلاسیک حقوق بین‌الملل بوده که دولت را تنها موجودیت دارای صلاحیت انحصاری در قلمرو خویش معرفی می‌کند. این قلمرو شامل حوزه هوایی، خشکی‌ها، مناطق دریایی از جمله آب‌های سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه مجاور است. این اصل به رسمیت شناخته شده که دولت‌ها مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، منشور سازمان ملل متحد و پاره‌ای از اصول کلی حقوق دارای صلاحیت حاکمیتی برای استفاده از منابع طبیعی و تعیین سیاست‌گذاری استفاده و یا واگذاری از این منابع هستند.

در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، این موضوع ثابت شده که مسائلی نظیر مهاجرت‌های فصلی گونه‌های جانوری، ذخایر آبزیان و ماهی‌ها، آلودگی دریاها و رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و هوا نشانگر فرامرزی بودن اهمیت محیط‌زیست است. بدیهی است در پرتو تفسیر مترقیانه از مقتضیات روابط بین‌الملل، دولت‌ها دیگر تنها فعال مایشاء در داخل قلمرو سرزمینی خود نیستند و تعهدات فرا سرزمینی هم دارند.^۳

۱-۲- اصل همکاری دولت‌ها در قبال حفاظت از محیط‌زیست

بدون شک، اصل همکاری بین‌الدول برای حفاظت از محیط‌زیست و رفع آلودگی‌ها یک اصل حیاتی است، به‌ویژه در خارج از حوزه صلاحیتی آن‌ها. حل برخی مشکلات و فجایع زیست‌محیطی به‌تنهایی توسط یک کشور ممکن نیست. گاهی اوقات پاسخ‌ها باید جمعی باشد (جلالین، ۱۳۹۴: ۵۱).

بر همین اساس، دولت‌ها در قالب معاهدات یا پیمان‌نامه‌های بین‌المللی و همچنین، ایجاد نهادهای بین‌المللی تخصصی (به‌صورت یکی از ارکان فرعی سازمان ملل)، درصدد همکاری با یکدیگر هستند. این تعهدات به‌صورت خاص جهت نظارت، کاستن و جبران خطرات آلودگی‌ها یا تخریب محیط‌زیست به‌صورت خطرناک (زلزله، آتش‌فشان، سونامی‌ها، رانش زمین و بالا آمدن آب‌ها) صورت گرفته است که می‌بایست اجرا شوند. این تعهدات مبتنی بر همکاری، دربرگیرنده تبادل یافته‌های عملی، آمارها، یافته تحقیقات و اجرای کلی عملیات ترمیم و بازسازی مناطق در آستانه نابودی کامل یا آلوده است. توجه به مناسبات منطقه‌ای، ملاک‌ها، معیارها و راهکارها از نشانه‌های همکاری نظام‌های سیاسی است که به‌طور عادی به‌صورت یک سازمان بین‌المللی به مرحله اجرا درمی‌آیند.

۱-۳- اصل حفاظت و حمایت از محیط‌زیست بین‌المللی

یکی از اصول پذیرفته‌شده، این است که مدیریت کشورها در حیطه محیط‌زیست باید به نحوی باشد که مزاحم امنیت و آرامش سایر کشورهای همسایه نشوند. بر همین اساس، تعهدات دولت‌ها در حیطه محیط‌زیست، تمامی موارد هوایی، دریایی و زمینی را در بر می‌گیرد. بر این اساس، در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز در موارد مربوط به امور دریایی، زمینی و هوایی، محیط‌زیست و همچنین، حفاظت از جانوران در معرض نابودی، تکلیفی جمعی و همگانی وجود دارد که دولت‌ها ملزم به رعایت آن‌ها هستند. به عبارت دیگر، تکلیف دولت‌ها در این زمینه، تکلیف جمعی و همگانی^۴ است؛ بنابراین، حفاظت از اکولوژی گیاهی و جانوری، حفظ تنوع ژنتیک و ژنوم گیاهی و جانوری و تلاش

1. Soft law

2. Hard law

۳. مستنبط از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکش، ۱۹۶۹

4. Erga Omnes Obligations.

برای پایداری آن‌ها از اهم استراتژی‌های جهانی حفاظت از محیط‌زیست قلمداد می‌شود. این اصل زمانی قابل‌اجراست که با نظارت و کنترل مستمر توأم گردد (خانه‌ای و همکار، ۱۳۹۵: ۳).

در این راستا، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲، مقرراتی را به تصویب پارلمان اروپا رساند که در میزان صید انواع ماهی از لحاظ تناژ، محدودیت‌هایی را مقرر کرد. آرای چندی نیز از سوی دیوان دادگستری اروپایی در ما نحن فیه صادر شده است (Caddel, 2010: 300).

۴-۱- اصل جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست

در موضوعات مربوط به محیط‌زیست بین‌المللی، یک اصل اساسی وجود دارد که پیشگیری از جبران خسارت آسان‌تر است؛ مخصوصاً زمانی که مسئله آلودگی محیط‌زیست مطرح است. ساختن تجهیزات غول‌پیکر در حیطه حمل‌ونقل دریایی چندجداره و ماشین‌های حامل نفت نیز از جمله اقدامات پیشگیرانه است. این اصل کلی بیان می‌دارد که فعالیت‌های اقتصادی کشورها در حوزه‌های تخصصی، دولتی و فراملی یا چندملیتی نباید به گونه‌ای باشد که موجب ورود خسارت پایدار به محیط‌زیست شود.

در این خصوص، مجلس اعیان انگلستان در یکی از آرای نهایی خود مقرراتی را برای اعمال بیمه محیط‌زیست وضع نمود. این رأی مربوط به «قضیه شرکت بیم لک‌زینگتون» به طرفیت «شرکت بیمه آگف و شرکت بین‌المللی بیمه و اشابا» مسئولیت محدود بود که خوانده به پرداخت ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار به نفع خواهان از جهت خسارات وارده به محیط‌زیست محکوم شد (Thornton, 2010: 318).

۵-۱- اصل احتیاط در بهره‌گیری از طبیعت

این اصل از دولت‌ها می‌خواهد که در مکان‌ها یا مناطقی که احتمال وجود خطر وجود دارد، نواقص اجرای پروژه‌ها و طرح‌ها رفع گردد. پرهزینه بودن رعایت استانداردهای حفاظتی نمی‌تواند به‌عنوان دلیلی برای کاهش آستانه حفاظت از محیط‌زیست تلقی شود. این اصل با شعار ممنوعیت آسیب‌رسانی به محیط‌زیست از دولت‌ها می‌خواهد نقش مداخله‌گر و ارزشمندی را در رابطه با محیط‌زیست ایفا نمایند.

سازمان صلح سبز یکی از موفق‌ترین و اثرگذارترین سازمان‌های غیردولتی در حوزه محیط‌زیست بوده که در نتیجه اقدامات نمادین این سازمان، تحولات بسیاری در بهبود وضعیت محیط‌زیست و رعایت اصل احتیاط به وقوع پیوسته است. قطعاً به کارگیری اصل احتیاط در پروژه اصلاح ژنتیکی ساختارها، حاصل تلاش‌های مشترک دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۰-۱۹۵).

۶-۱- اصل جبران خسارات توسط آلوده‌ساز

این اصل بر این نکته تأکید دارد که مسئولیت بر مبنای نوع عملکرد است؛ بنابراین، شخصی که مسئول بروز آلودگی و خسارت شناخته شده، باید از عهده پرداخت هزینه‌های رفع خسارت برآید. بدیهی است استفاده از انواع بیمه‌ها جهت جبران خسارت به‌موجب رأی محاکم یا کمیسیون‌ها و دیوان‌های بین‌المللی و داوری از مناسب‌ترین شیوه‌های جبران خسارات و حتی کاهش آلودگی‌هاست.

در این حالت، فرض قانون این است که آلوده‌کننده باید به نحوی برنامه‌ریزی نماید که هزینه رفع آلودگی احتمالی و هزینه خدمات یا کالاهای ساخته‌شده را محاسبه کند. بدین ترتیب، پذیرش اصل مسئولیت پرداخت آلوده‌ساز، از جهتی افزایش میزان مشارکت تولیدکنندگان در حفاظت از محیط‌زیست است.

۷-۱- اصل اطلاع‌رسانی و کمک در حوادث اضطراری زیست‌محیطی

دیوان بین‌المللی دادگستری در «قضیه تنگه کورفو» و اختلاف دو کشور انگلستان و آلبانی در سال ۱۹۴۹ اعلام کرد که «اصل اطلاع‌رسانی نسبت به خطراتی که ممکن است محیط‌زیست کشوری را تحت تأثیر قرار دهد، به‌عنوان یک تعهد متوجه دولت‌ها است». در نتیجه، دولت‌ها باید تلاش نمایند به‌موقع و بلافاصله بعد از حدوث فجایع زیست‌محیطی، دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را مطلع کرده تا از گسترش خطرات و آلودگی‌ها جلوگیری نمایند. کشورهای اروپایی با قانون‌گذاری در سطح ملی، شیوه‌های دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی بین دولت‌های عضو را پیش‌بینی و توصیه کرده‌اند (ضیایی، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

در فاجعه «چرنوبیل» در ۱۹۸۶، شوروی از اطلاع‌رسانی به‌موقع به کشورهای دیگر خودداری نمود. در نتیجه، حجم خسارات زیست‌محیطی بسیار بالا گرفت. سازمان ملل متحد در کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۹۸۲، این تکلیف را به‌صورت تعهد الزام‌آور مطرح ساخت که دولت‌ها باید مشترکاً طرح‌های اضطراری را با هدف جلوگیری از حوادث آلوده‌ساز پیش‌بینی کنند (خانه‌ای و همکار، ۱۳۹۵: ۳).

۸-۱- اصل اطلاع‌رسانی و مشاوره در رابطه با آثار برون‌مرزی آلودگی‌ها

این اصل متذکر می‌گردد که دولت‌ها باید آمادگی اطلاع‌رسانی را داشته، حتی اگر این فعالیت‌ها به‌وسیله سازمان‌های غیردولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات چندملیتی دست‌اندرکار انجام شود. این اطلاع‌رسانی باید قبل و بعد از وقوع حوادث به‌صورت مرتب و پیشگیرانه اعلام گردد.

بر مبنای کنوانسیون حقوق همبستگی، با توجه به این مسئله که هر انسانی از این حق برخوردار است که خواستار یک محیط‌زیست سالم باشد، این اصل یکی از حقوق نسل سوم حقوق بشر شناخته می‌شود. به‌طور مشخص، هر فرد حقیقی از این حق برخوردار است که با رجوع به محاکم داخلی بتواند در موضوعات رفع آلودگی، اقامه دعوا نماید؛ به این دلیل که در حیطه رفع آلودگی‌های محیط‌زیست، بحث تابعیت یا عدم تابعیت اهمیتی ندارد. البته در برخی از کشورها من‌جمله اتحادیه اروپا، حق دادخواهی برای داشتن هوای سالم و زندگی در محیط آرام برای اعضاء به رسمیت شناخته شده و جزء حقوق مسلم بشری محسوب می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۳۲).

بدون شک، حفاظت از محیط‌زیست به‌تدریج در حال تبدیل به یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام است و برای کلیه اشخاص ذینفع، حق دادخواهی را نزد محکمه‌ای که در حوزه آن خسارت وارد شده، ایجاد می‌کند (حسینی و همکار، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۳۲). بدیهی است تعهد دولت‌ها به مشورت، اطلاع‌رسانی حوادث خطرناک، پیشگیری و جبران خسارات زیست‌محیطی از بهترین مصادیق اصل حسن نیت است. بسیاری از اسناد بین‌المللی بر انجام تعهدات هشت‌گانه تصریح دارند از جمله ماده دو منشور سازمان ملل متحد، اصل دوم و ۱۵ اعلامیه ریودوژانیرو مواد ۱۹۸، ۱۹۴ و ۱۹۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کنوانسیون ۱۹۹۲ راجع به تنوع بیولوژیک، اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم، قضیه داوری دریاچه لنوکس، اختلاف فرانسه و اسپانیا، قطعنامه ۲۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده ۳۰ منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، کنوانسیون ۱۹۸۵ آ.سه.آن، کنفرانس ۱۹۹۲ تغییرات آب‌وهوا، کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن و پروتکل ۱۹۸۷ مونترال، قضیه تنگه کورفو، کنفرانس ۱۹۸۶ درباره اطلاع‌رسانی فوری و کمک به هنگام سوانح هسته‌ای یا موارد اضطراری و بند دوم ماده دو کنوانسیون ۱۹۹۲ حمایت از محیط‌زیست دریایی آتلانتیک شمالی (خانه‌ای و همکار، ۱۳۹۵: ۴). بدون شک، دیدگاه دولت‌ها در باب محیط‌زیست تغییر یافته و تنها منحصر به رفع آلودگی نیست چراکه این باور وجود دارد که هم‌اکنون به محیط‌زیست در روابط بین‌الدول از جنبه نظم عمومی بین‌المللی نگرسته می‌شود تا همبستگی بین کشورها خدشه‌دار نشود (نجفی اسفاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۵-۲۰۴).

۲- تعهدات و مسئولیت‌های عام‌الشمول دولت‌ها در حفاظت از محیط‌زیست

علی‌رغم اینکه در حقوق بین‌الملل، قاعده‌ای پیش‌بینی نشده که دولت‌ها را ملزم به عقد معاهده و پذیرش تعهدات بین‌المللی نماید، با این حال برای جامعه بین‌المللی قابل‌پذیرش نیست که پاسداری از ارزش‌های انسانی صرفاً متکی بر توافقات دولت‌ها باشد.

یکی از مصادیق این گونه الزامات، ماده ۱۰۳ منشور است که ناظر بر اولویت تعهدات ناشی از منشور بر موافقت‌نامه‌های دوجانبه بوده و محدودکننده اراده دولت‌هاست (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۹۷). بدین ترتیب، هنجارهایی در جامعه بین‌المللی دیده می‌شود که مقررات حقوق بین‌الملل بر آن‌ها استوار است. هنجارهای مزبور که از آن‌ها به عنوان تکالیف فراگیر بین‌المللی و قواعد آمره یاد می‌شود، اصولی فراتر از اراده دولت‌ها هستند و از نظر شمولیت، تمامی دولت‌های جهان را متعهد و مکلف می‌نمایند. بخشی از هنجارهای پذیرفته‌شده در جامعه بین‌المللی چنان مهم هستند که تمامی ملل متمدن دنیا اعتبار آن‌ها را پذیرفته‌اند. این اصول و ارزش‌ها کم‌تر رنگ و بوی سیاسی دارند و همین مسئله، یکی از مزیت‌هایی است که باعث می‌شود تا الزام آور باشند و همه دولت‌ها نسبت به رعایت آنان احساس تکلیف نمایند. این مسئله به‌طور مشخص با نظم عمومی بین‌المللی نیز در ارتباط است.

۲-۱- تعهدات بین‌المللی دولت‌ها

هیچ مبحثی در حقوق بین‌الملل به اندازه ایفای تعهدات دولت‌ها در زمینه‌های گوناگون خوشایند نیست. برای تحقق همبستگی بین‌المللی لازم است دولت‌ها با حسن نیت، ارزش‌های بین‌المللی را که نماد حمایت از حقوق بشر هستند، به‌ویژه در زمینه محیط‌زیست ارج نهند.

درست است که حفاظت از محیط‌زیست بدون مشارکت جامعه بین‌المللی، نهادهای دولتی و خصوصی، مردم و دولت‌ها قابل تحقق نیست اما دولت‌ها به‌عنوان تابعین اصیل و سنتی حقوق بین‌الملل، جایگاه برجسته‌ای در رعایت موازین محیط‌زیست دارند. دولت‌ها متعهدند با همکاری یکدیگر و به نحو مؤثر از ایجاد و انتقال مواد یا تأسیسات آلوده‌کننده از کشورهای مولد آلودگی به کشورهای جهان سوم اجتناب ورزند و هزینه‌های مبارزه با آلودگی را بپردازند.

بر این اساس، سیاست محیط‌زیستی کشورها باید در جهت تصویب توانایی‌های بالقوه دول فقیر باشد. آموزش عمومی مردم، تبادل اطلاعات بین کشورها و انتشار دستاوردهای علمی راجع به محیط‌زیست از اهم تعهدات دولت‌ها در بخش محیط‌زیست است. جهت تحقق این موارد می‌توان از روح منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل الهام گرفت. دولت‌ها باید در ارتقاء حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و جبران خسارات آلودگی اعم از داخلی و فرامرزی، کوشا باشند. انعقاد معاهدات دو یا چندجانبه از اهم اقدامات بین‌المللی دولت‌ها در راستای حفاظت از محیط‌زیست بوده اما اولویت با تأسیس دیوان بین‌المللی محیط‌زیست است.

برخی بر این باورند که اصول مربوط به تکالیف و تعهدات عمومی دولت‌ها در منشور زمین خطاب به نسل‌های حال و آینده است؛ حال آنکه تصویب قوانین و مقررات حفاظت از محیط‌زیست از اهم وظایف دولت‌هاست تا تضمین نمایند که این مقررات به نحو مؤثر اجرا شوند.

مطابق قواعد، دولت‌ها معتقدند که مانع تداوم اعمال زیان‌باری نظیر تخلیه فضولات سمی یا قطع درختان و هر نوع فعالیتی هستند که تخریب محیط‌زیست را به دنبال دارد. روشن است که برگرداندن وضع به حالت اول، مناسب‌ترین شیوه جبران خسارت است. دولت‌ها مکلف هستند از ابزارها و تاکتیک‌های جنگی که به محیط‌زیست خسارت شدید وارد می‌کند، خودداری نمایند که عدم توجه به آن به‌مثابه جنایت جنگی است. به نظر می‌رسد این رویکرد که به تعهدات دولت‌ها در زمینه حفظ محیط‌زیست اشاره می‌کند، نه به شکل انفرادی بلکه در مقابل همه اعضاء جامعه بین‌المللی قرار

می‌گیرد و درواقع به معنای آن است که امروزه مسائل محیط‌زیستی یک تهدید امنیتی برای دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود.

روشن است که حمایت دولت‌ها از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب و آلوده‌سازی محیط زندگی، یک تعهد واضح برای آن‌هاست. علاوه بر این، دولت‌ها باید از محیط‌زیست به‌طور برابر بهره‌برداری کنند، به شیوه‌ای که فرصت استفاده یکسان و مساوی از منابع طبیعی برای همه دولت‌ها فراهم آید. ضمن اینکه دولت‌ها تکلیف دارند شرایط طبیعی زندگی را با تغییرات نامساعدی مواجه نکنند که سلامت انسان و بهزیستی جمعی را با صدمه روبرو سازد. تعهد فراگیر همکاری در مسائل مربوط به محیط‌زیست از جمله اطلاع‌رسانی وقوع حوادث، مشاوره جستن برای پیدا نمودن راه‌حل‌ها، مذاکرات و همکاری، یک اصل مشترک در اغلب رویدادهای محیط‌زیستی است زیرا محیط‌زیست، میراث مشترک بشریت است که دولت‌ها تنها صاحب حق در استفاده از منابع آن نیستند.

علاوه بر این، دولت‌ها متعهد هستند حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه را نیز رعایت کنند؛ به این معنا که هدف از جنگ ممکن است شکست وی باشد و نباید به تخریب محیط‌زیست منجر شود. لازم به ذکر است که این توافقات هم‌اکنون تحت عنوان مجموعه‌ای از قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست قلمداد می‌شوند. نهاد شورای امنیت در قطعنامه ۵۴۰ مصوب ۱۹۸۳، از دولت‌های درگیر خواسته است که از انجام اعمالی که باعث خدشه به صلح و امنیت منطقه و حیات وحش و گیاهان شوند، خودداری نمایند (ممتاز، ۱۳۷۸: ۱۰).

همچنین، دولت‌ها مکلف هستند همکاری‌های مربوط به خلع سلاح را مدنظر قرار داده و با عبور از مرحله مذاکره، به شکل عملی در زمینه کاهش سلاح‌های هسته‌ای غیرمتعارف در سطوح مختلف با هدف نهادی نابودی این سلاح‌ها عمل نمایند. ضمن اینکه دولت‌ها باید هر نوع آزمایش هسته‌ای را متوقف سازند (موثقی، ۱۳۸۸ به نقل از ظریف و همکاران، سال ۱۳۷۵: ۳۳۳)، به این دلیل که اعمال مربوط به سلاح هسته‌ای منجر به گسترش تلفات انسانی و خطرات محیط‌زیستی می‌شوند. از دیگر تعهدات دولت‌ها این است که بتوانند باعث پیشگیری از ورود خسارات جهانی شوند و درصدد کاهش آثار خسارات ناشی از اعمال زیست‌محیطی برآیند؛ بنابراین، در مواردی که احتمال خسارات پدیدآمده زیاد باشد، دولت‌ها وظیفه دارند با توسل به یافته‌های علمی نسبت به رفع خطرات و تلفات احتمالی فرایندهای عملی خود اقدام نمایند. به‌علاوه، دولت‌ها باید در کوتاه‌ترین زمان، نسبت به پیامدهای زیست‌محیطی طرح‌های عمرانی خود آگاه باشند و از انجام هرگونه فعالیت تخریبی که سلامتی انسان، گیاه، زمین، هوا، آب و خاک را به خطر بیندازد، خودداری نمایند.

در همین راستا، دولت‌ها مکلف هستند با گسترش همکاری‌های بین‌المللی، حفظ و نگهداری از محیط‌زیست را بر عهده گرفته و خود را به‌عنوان یک عضو ذینفع در این تحولات در نظر داشته باشند. همچنین، دولت‌ها در این راه از فعالیت‌های تخصصی، علمی و عملی سازمان‌های بین‌المللی مرتبط و سازمان‌های غیردولتی استفاده کنند و به ابزارهای حقوقی برای نگهداری از محیط‌زیست متوسل شوند. در برخی از نظریات قضایی و بین‌المللی به تعهدات دولت‌ها در این زمینه به‌صراحت اشاره شده است. در طرح شکایتی که استرالیا از فرانسه داشته است، موضوع مورد مناقشه این بوده که انجام آزمایش‌های هسته‌ای که به دلیل انفجارات آزمایشی سلاح‌های هسته‌ای فرانسه و پخش مواد رادیواکتیو ناشی از فعالیت‌های روزمره کشتی‌ها، هواپیماها در دریاها آزاد بوده است، اثرات نامطلوبی بر جای گذاشته است؛ بنابراین، به دلیل مصائب ناشی از آلودگی، کشور فرانسه باید متعهد شود که از تداوم آزمایش‌ها خودداری نماید (برانلی، ۱۳۸۳: ۲۳۲). دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود تحت عنوان آزادی فراگیرتر به‌سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه در سال ۲۰۲۵ میلادی، پیشنهاد داد که موضوعات مربوط به محیط‌زیست می‌بایست در سطح جهان و در تمامی نشست‌ها و جلسات مورد بحث قرار گیرد و حتی در دستور کار اصلی باشد. در ضمن، کشورها به‌صورت فراگیر می‌بایست از

عضو شدن در معاهدات، کنوانسیون‌ها و کمیسیون‌های تخصصی محیط‌زیست خرسند باشند و از این موضوع استقبال خوبی به عمل آورند. به علاوه، دولت‌ها باید نگرانی‌های زیست‌محیطی را در قالب تصمیم‌گیری‌های کلان، برنامه‌ها و اسناد چشم‌انداز مورد توجه ویژه قرار دهند. همچنین، دولت‌ها باید نسبت به احیاء همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی که کمتر مورد توجه است، اقدام نمایند و از انجام فعالیت‌هایی که منجر به بی‌اعتباری یا کم‌اعتباری این اسناد می‌شوند، جلوگیری کنند. این خواسته‌ها عملی نخواهد شد مگر اینکه دولت‌ها نسبت به تعامل با آژانس‌های جهانی دست‌اندرکار در محیط‌زیست همکاری بیشتری نشان دهند.

از جمله مهم‌ترین اهداف اعلامیه هزاره جدید در سال ۲۰۰۰، ایجاد شرایط ضمانتی با هدف فراهم‌سازی تداوم محیط‌زیست بود که نیازمند تلاش و وفاق کشورهای مختلف در سطح جهان است. بهره‌مندی از کشاورزی پررونق، آب آشامیدنی سالم، استفاده از منابع دریایی و حیات سالم، نیازمند برخورد مسالمت‌آمیز نسبت به محیط‌زیست است. دولت‌های مختلف برای حفظ تنوع زیستی باید به نسبت به معاهدات کنوانسیون تنوع زیستی و تعهدات ژوهانسبورگ متعهد باشند و عضو این تعهدات شوند. روشن است پایبندی به عملی ساختن کنوانسیون‌های محیط‌زیستی همانند «پروتکل کیوتو ۱۹۹۷» و «کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل ۲۰۰۵»، گام‌های اولیه‌ای جهت موفقیت این تحولات (مربوط به احیاء جهانی محیط‌زیست) خواهد بود.

شواهد موجود نشان می‌دهند که برخی از کشورها به بخشی از تعهدات زیست‌محیطی الزامی نشان نمی‌دهند. این دولت‌ها در مواردی نظیر آگاهی درباره فعالیت‌های اقتصادی همراه با آلودگی‌های زیان‌بار زیست‌محیطی، فعالیت مؤثری انجام نمی‌دهند، به این دلیل که دولت‌ها با توجیهات مختلفی مانند حفظ منافع ملی، در موضوع اطلاع‌رسانی به موقع اجتناب می‌نمایند و کشورهای بی‌تأثیر، قربانی آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌گردند. این کشورها به منافع خود بیشتر اهمیت می‌دهند و نسبت به ارزش‌های مشترک و عام جامعه بین‌المللی توجهی نشان نمی‌دهند. در ماجرای کانال کورفو ۱۹۴۹، دیوان اعلام کرد که کشور آلبانی می‌بایست کشورهای دیگر را از وجود مین دریایی آگاه می‌ساخت (ضیائی بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳). بر مبنای روح اعلامیه استکهلم مصوب ۱۹۷۲، دولت‌ها وظیفه دارند از سرزمین خود به نحوی بهره ببرند که باعث خسارت به محیط‌زیست سایر کشورها در خارج از حوزه صلاحیت سرزمینی کشورها استفاده‌کننده نگردد.

با عنایت به این مسئله که منشأ بسیاری از آلودگی‌های وسیع زیست‌محیطی، فعالیت کشورهای صنعتی است، مسئولیت حقوقی و اخلاقی مقابله با تغییرات آب‌وهوا و عواقب ناشی از تخریب محیط‌زیست بر عهده آنان است (و یا بیش از سایر کشورها متوجه آنان است). به همین دلیل، دولت‌ها باید اطلاعات روزانه‌ای از اقدامات صورت گرفته از جمله فعالیت‌های انسانی را به صورت نمودار ارائه کنند، عملیات زیست‌محیطی را به صورت دوجانبه یا چندجانبه به مرحله عملی درآورند، اطلاعات عمومی را افزایش دهند، تصمیمات زیست‌محیطی را از حالت مشاوره و غیر الزام‌آور به الزام‌آور و سخت‌گیری تغییر دهند، منابع مالی و متناسب معرفی نمایند و در راستای جلوگیری از استهلاک آن اقدام نمایند، تکنولوژی جدید انرژی را به کشورهای در حال توسعه نیز منتقل نمایند، انتقال و فروش کالا و خدماتشان را به ارائه یک سیاست زیست‌محیطی صحیح منوط نمایند و هیچ‌یک از کشورها نسبت به مسئولیت خود بی‌توجهی نکنند، مخصوصاً نسبت به کنترل جمعیت دنیا واکنش نشان دهند.

بدون تردید برای به اجرا درآوردن مقررات حقوق بین‌الملل درباره محیط‌زیست ملزم است که برخی از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در مرحله عمل مورد کمک قرار گیرد. این تعهدات عبارت‌اند از:

۱. ایجاد نهادهای بین‌المللی به‌ویژه نهادهای آگاهی‌رسانی و دیوان‌های بین‌المللی قضایی با نیت نظارت بر فعالیت کنوانسیون‌های عمومی و خصوصی زیست‌محیطی؛

۲. استفاده از ترتیبات منطقه‌ای با هدف رفع اختلافات بین‌المللی کشورها که با موضوع محیط‌زیست هستند و همچنین مواجهه سریع با تخریب‌ها و آلودگی‌های فراملی؛

۳. تأسیس سازمان‌های مدیریتی همگون برای تصمیم‌گیری و تدابیر مشترک و قابل انجام؛

۴. استفاده از نظریات مشورتی و اجرایی نهادهای غیردولتی در جمع‌آوری اسناد زیست‌محیطی که با داشتن آگاهی تخصصی می‌توانند مسیر فعالیت دولت‌ها را هموار سازند؛

۵. گسترش صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با شاخه‌های مشارکت‌های علمی، جمع‌آوری داده‌ها، تأسیس سازمان اداری واحد و متمرکز، بسترسازی فرهنگی و اجرایی کردن آنان (کیس و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۹).

همان‌طور که «قاضی ویرامانتری» در نظریه مخالف خود در رأی مشورتی دیوان در قضیه مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای سال ۱۹۹۶ اعلام کرد، هدف عمده حفاظت از محیط‌زیست، حمایت از حیات و حقوق نسل‌های آینده است (گلستانی، ۱۳۹۱: ۱۷)؛ همان نسلی که هر آنچه را که ما بکاریم، آن‌ها درو خواهند کرد و به‌راستی که ما کره زمین را از والدینمان به ارث نمی‌بریم بلکه آن را از بچه‌هایمان عاریه می‌گیریم.

۲-۲- تعدیل اراده دولت‌ها در پذیرش و اجرای کنوانسیون‌های حفاظت از محیط‌زیست

نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در «ماجرای لوتوس» که در سال ۱۹۲۷ م. رخ داد، بر اولویت توانایی دولت‌ها در قبول کردن تعهدات و همکاری‌های بین‌المللی تأکید داشت. این ماجرا، این اصل مهم را بر جای نهاد که حاکمیت، پیش‌برنده تعامل دولت‌ها با نظام بین‌المللی است اما رویدادهای ۸۰ سال گذشته حاکی از آن است که این رویه، حداقل در زمانه کنونی نباید همانند گذشته به‌عنوان امری مقدس مدنظر باشد. امروزه، امور زندگی به‌سوی جهانی شدن ارزش‌ها و اقتصاد گام برمی‌دارند (نتیجه اجلاس داوس سوئیس در یک دهه قبل) و این رویه، برای عملی شدن، مبارزه سخت همراه با رضایت و حاکمیت دولت‌ها را در مفهوم پیشین و قدیمی خود شروع نموده است.

بدون تردید، وارد شدن دولت‌ها در همکاری‌ها و تصمیمات بین‌المللی، استقبال از نظارت سازمان‌های بین‌المللی همه‌شمول از فعالیت‌های هسته‌ای، تغییر مواضع در خصوص نقض حقوق بشر، ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی و مدنظر قرار دادن قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی در عمل و اهمیت قائل شدن به اصل همبستگی میان دولت‌ها که صلح و امنیت بین‌المللی را گسترش می‌دهد، همان هدفی نهایی‌ای بوده که نظام حقوق بین‌الملل به دنبال محقق کردن آن است. اگر دید عادلانه‌ای به کار گرفته شود، موفقیت‌های حقوق بین‌الملل بسیار بیشتر از ناکامی‌های آن است.

همین اندازه که کشورها برای تحقق منافع مجبورند تابع مقررات حقوق بین‌الملل شوند، بارقه‌ای از امید را در دل‌های حدود هشت میلیارد نفر ساکن زمین روشن می‌کند. برای هزاران سال، این شعار که حاکم خطا نمی‌کند و مسئولیت ندارد، همانند اصل غیرقابل خدشه ابزار فرمانروایی سلاطین مستبد و استعمارگر و هژمون بود؛ اما وقتی دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی با تصویب کنوانسیون‌های متعدد^۱ و اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی^۲ می‌پذیرند که همه افراد بدون لحاظ سمت رسمی آنان، قابل محاکمه و مجازات هستند، از تکامل حقوق بین‌الملل و ارتقاء نگرش‌های جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل به خود می‌بالیم.

۱. پیش‌نویس اساسنامه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

۲. ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: ۱. ... سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به‌هیچ‌وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری به موجب این اساسنامه معاف نخواهد کرد. برای مطالعه بیشتر نک: آل حبیب، اسحاق، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۵۶۰.

بدون تردید، مسئولیت‌های سازمان بین‌المللی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، جهانی‌سازی، ایجاد دیوان‌های کیفری بین‌المللی، آگاهی یافتن از فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای مختلف با هدف راستی آزمایی فعالیت آنان، نظارت دائم بر رعایت حقوق بشر و انتقال مسالمت آمیز قدرت در کشورهای مختلف حاکی از اتمام حاکمیت مطلق دولت‌ها در عصر نوین است که به مرور زمان بر اعتبار و مقبولیت اصول حقوق بین‌الملل می‌افزاید. این همان آینده روشن جامعه بین‌المللی است که سال‌ها در صدد رسیدن به آن بود. ضمن اینکه امروزه وظیفه اصلی نظام حقوق بین‌الملل، مستحکم ساختن ارزش‌های مستمر و متناسب با جامعه بین‌المللی در شکل کلی آن است. مراعات ساختن اصول جدید در مراقبت از محیط‌زیست از مهم‌ترین تعهدات مرتبط در این زمینه است (زمانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳-۲۲). خواسته یا ناخواسته، شاهد تکثر حقوق بین‌الملل بوده که به استحکام بنای مستقل هر یک از حوزه‌های اصلی حقوق بین‌الملل می‌انجامد. این استقلال منوط به پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی بوده که رعایت مقررات حقوق بین‌الملل را در شاخه‌های متنوع تضمین می‌کند. این همان نتیجه‌ای است که قضات محاکم گوناگون بین‌المللی در آرای خود به منزلت حقوق بین‌الملل تصریح دارند. شاید یکی از بهترین شیوه‌های کارکرد حقوق بین‌الملل، بهره‌گیری از چارچوب مدیریتی نظام حقوق بین‌الملل جهت هدایت سیاست‌های کلان دولت‌ها در زمینه محیط‌زیست است. به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی تدریجاً موفق به تحقق حاکمیت جهانی حقوق در بسیاری از حوزه‌ها از جمله محیط‌زیست شده است.

نتیجه‌گیری

امروزه، یکی از جنبه‌های خطرناک پیش رو، تخریب و زوال گسترده محیط‌زیست است؛ به‌خصوص در فعالیت‌هایی همچون تأسیس کارخانه‌های مواد شیمیایی و بروز مخاصمات و درگیری‌ها، اولین و ضعیف‌ترین قربانی، طبیعت و محیط‌زیست خواهد بود. لذا در راستای حمایت از محیط‌زیست و به‌طور خاص، محیط‌زیست بین‌المللی، کشورها و نهادهای حقوقی بین‌المللی برای صیانت بهتر از محیط‌زیست دست به تنظیم و تدوین قواعدی با هدف حمایت از محیط‌زیست زده‌اند. در این راستا، معاهدات بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای تدوین گشته و تعهداتی الزام‌آور را پیش روی دولت‌ها ترسیم کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که به‌وسیله آن می‌توان از محیط‌زیست در عرصه بین‌المللی مراقبت نمود، ایجاد تکالیفی آمرانه برای دولت‌ها در سطوح مختلف است. این تکالیف، در عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تعهدی است که به هر یک از اعضای جامعه بین‌المللی وارد شده و در صورت نقض آن تعهد، مسئولیتی سنگینی برای دولت در جبران خسارات وارده به محیط‌زیست ایجاد خواهد نمود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین اصول حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات زیست‌محیطی، بازگشت به اصول قدیمی حقوق بین‌الملل عمومی بوده که غالباً آن را به یک رژیم مسئولیتی ناکارآمد در عرصه محیط‌زیست تبدیل کرده است. با این وجود، فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل را در این زمینه نباید نادیده گرفت زیرا پیش‌نویس ارائه‌شده توسط کمیسیون، با اینکه هنوز به تصویب دولت‌ها نرسیده است اما مسئولیت دولت‌ها و تمامی موارد مرتبط با آن (از جمله راهکارهای جبران خسارت و جهات و عوامل رافع مسئولیت دولت‌ها) را به‌خوبی تبیین و تشریح کرده است و می‌تواند در خصوص انتساب مسئولیت بین‌المللی به دولت‌ها در نقض فاحش زیست‌محیطی، ملاک عمل قرار گیرد.

منابع

- برانلی، ایان. (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل در واپسین سال‌های قرن بیستم*. ترجمه: رضایی پیش رباط، صالح، چاپ اول، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- جعفری، امین و احمدی، اصغر. (۱۳۹۵). جایگاه صلح سبز در آموزش عالی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۶(۲۱)،

۱۹۵-۲۰۸.

جلالیان، عسکر. (۱۳۹۴). نارسایی حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در حمایت از محیط‌زیست بین‌الملل، مجله راهبرد، ۲۴(۲)، ۵۲-۲۳.

حسینی، سید مهدی. (۱۳۹۰). مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. ترجمه: لالا کورو کولاسوریا و نیکلاس رابینسون، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

حسینی، سیدمهدی و محمدی، مهرداد. (۱۳۹۶). واکاوی حق بشر بر محیط‌زیست، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۶(۱۲)، ۱۵۹-۱۲۷.

خانه‌ای، علی‌اشرف و رجبی، لایلا. (۱۳۹۵). نقش کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، چهارمین دوره کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین.

رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و حاجی ملا، هیوا. (۱۳۹۶). مداخله سازمان‌های غیردولتی به‌منزله «دوست دادگاه» در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۷(۴)، ۹۱۹-۹۳۶.

زمانی، سید قاسم و شهبازی، آرامش. (۱۳۸۹). فرجام حقوق بین‌الملل؛ نوسان میان تکنیک و تدبیر. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۸۷). آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری. جلد اول (۱۹۸۶-۱۹۴۸)، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

ضیایی، سیدياسر. (۱۳۹۳). جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۴۲)، ۲۲۴-۱۹۱.

عزیزی، ستار و موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۵). پرونده گابچیگوو-ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار، مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۳(۵۵)، ۱۰۶-۱۴۳.

عزیزی، ستار. (۱۳۹۲). جایگاه ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد در حقوق بین‌الملل عام، مطالعات حقوقی معاصر، ۴(۷)، ۹۷-۱۲۲. کیس، الکساندر و اچ. سند، پتر و لانگ، وینفراید. (۱۳۸۴). حقوق محیط‌زیست. ترجمه محمدحسن حبیبی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گلستانی، محمود و پهلوانی، الهام. (۱۳۹۱). درآمدی بر نگرش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حفظ محیط‌زیست، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۹(۳)، ۲۰۳.

ممتاز، جمشید. (۱۳۷۸). توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط‌زیست؛ آورده دیوان بین‌المللی دادگستری، مجله حقوقی، ۱۳(۲۴)، ۵-۲۸.

موثقی، حسن. (۱۳۸۸). تأثیر سازمان ملل متحد بر تعدیل اصل رضایت دولت در التزام به تعهدات بین‌المللی، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۱(۲۶)، ۳۱۹-۳۵۴.

نجفی اسفاد، مرتضی و جلالیان، عسکر. (۱۳۹۱). ضرورت تأسیس دادگاه بین‌الملل محیط‌زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط‌زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه، راهبرد، ۲۱(۶۳)، ۲۰۵-۲۴۱.

Caddell, R. (2010). Caught in the net: Driftnet fishing restrictions and the European court of justice. *Journal of environmental law*, 22(2), 301-314.

Thornton, J. (2010). significant UK environmental cases: 2009/2010. *Journal of environmental law*, 22(2), 315-334.

استاد به این مقاله: رضایی، محمدرضا، میرعباسی، سیدباقر و شیوخ، مجوبه. (۱۴۰۰). تعهدات دولت‌ها در رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۱(۱)، ۶۹-۸۱.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.